**١٠٢ - توکّل ، تفویض ، تسلیم و رضا [[1]](#footnote-1)**

و نیز از حضرت بهاءاللّه در کلمات مکنونه است قوله جلّ و عزّ : اصل کلّ الخیر هو الاعتماد علی اللّه و الانقیاد لامره و الرّضاء لمرضاته .

و در لوحی است : توکّلوا فی کلّ الامور علی اللّه ربّکم و ربّ آبائکم انّه یسمع و یری و هو المقتدر القدیر قل ان اطمئنّوا بفضل اللّه و رحمته انّه معکم و یأخذ من ظَلَمکم کما اخذ من قبلُ طوبی للمتفرّسین .

و در لوح مدینة الرّضاء است قوله الاعلی : و من رضی اللّه ربّه یرضی عن عباده الّذین هم آمنوا به و بآیاته فی یوم الّذی انصعقت فیه کلّ من فی السّموات و الارض لانّ رضا العبد عن بارئه لن یثبت الّا برضاء احبّاء اللّه الّذین انقطعوا الیه و کانوا من المتوکّلین .

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز :

**هو اللّه**

ای بندۀ جمال قدم در جمیع امور متوسّل بحیّ قیّوم شو و متوکّل بربّ ودود قلب انسان تا اعتماد بر حضرت یزدان ننماید راحت و آسایش نیابد بلی سعی و کوشش و جهد و ورزش لازم و واجب و فرض و قصور و فتور مذموم و مقدوح بلکه شب و روز مهمل نباید بود و دقیقۀ نباید از دست داد چون کائنات سائره باید لیلاً و نهاراً و چون شمس و قمر و نجوم و عناصر و اعیان ممکنات در خدمات مداومت کرد ولی باید اعتماد بر تأئیدات نمود و اتّکاء و اتّکال بر فیوضات کرد زیرا اگر فیض حقیقت نرسد و عون و عنایت شامل نگردد زحمت ثمر نبخشد کوشش فائده ندهد و همچنین تا باسباب تمسّک نشود و به وسائل تشبّث نگردد ثمری حاصل نشود اَبَی اللّه اَنْ یجریَ الامورَ الّا باسبابها و جعلنا لکلّ شیئی سبباً ربّ افتح علیهِ ابوابَ العطاءِ و ارزقُهُ الرّفاه و وسّعْ علیه الضّنک و یسِّرْ له العُسْرَ باعظمِ الانصافِ انّک انت الواهب الکریم . ع ع

و قوله اللّطیف : جوهر کلّ خیر رضا است باید احبّای الهی جز به رضا حرکت نکنند و به غیر از راه خدا نپویند از بادۀ تسلیم سرمست باشند و در اقلیم تفویض حرکت نمایند .

و خطاب به آقا غلامرضا در زواره قوله الجلیل : ای طالب رضای حق مقام رضا بسیار مشکل است و اعظم آرزوی اهل بهاء ، سالک در این مقام بکلّی از خود بیخ‌بر است و آنچه واقع دردش را درمان و زخمش را مرهم سریع الالتیام است در این مقام جفا را وفا یابند و بلا را اعظم آلاء شمارند مصیبت را موهبت دانند و کُربت را مسرّت شمرند فرح و سرورش دائمی گردد و فیض حبورش ابدی ، بر سریر سلطنت و استقلال جلوس نمایند و باعظم آمال مأنوس شوند ذلک من فضل اللّه یؤتیه من یشاء و اللّه ذو فضلٍ عظیم . ع‌ع

و لوحی از حضرت بهاءالله است قوله الاعلی :

**بنام یکتا خداوند دانا**

نامه ات رسد ندایت را شنیدیم و در سجن اعظم از مالک قدم آنچه مهلت است از برای تو خواستم انسان خود بر خیر و نفع خود آگاه نه علم غیب مخصوص است بذاته تعالی بسا میشود انسان امری را که به نظرش پسندیده است از حق جلّ جلاله مسئلت مینماید و بعد کمال ضرّ ازو حاصل لذا قلم اعلی مقام توکّل و تفویض را القا فرمود بر هر صاحب بصر و ادراکی معلوم و واضح است که از حق جلّ جلاله آنچه ظاهر میشود از مقتضیّات حکمت بالغه بوده و هست و اگر کسی تفویض نماید و توکّل کند آنچه مصلحت او است ظاهر شود باید باسباب تمسّک نمود متوکّلاً علی اللّه مشغول گشت .

1. از امیرالمؤمنین حسین به علی رض و کرّم اللّه وجهه پرسیدند از قول ابوذر غفاری رض که گفت الفقر احبّ الّی من الغناء و السّقم احبّ الیّ من الصحّة فقال رحم الله اباذر امّا انا فاقول من اشرف علی حسن اختیار اللّه لا یتمنّ الّا ما اختار اللّه له . ( کشف المحجوب ) [↑](#footnote-ref-1)